

Application of the Logical Reasoning Method Based on Analogy (Axiomatic) in the Design of Islamic Financial Instruments

Abozar Soroosh*

Received: 29/05/2017

Accepted: 27/01/2018

Abstract

Among the most important functions of an efficient Islamic financial system is to support the real sector of the economy. Such a system must work to strengthen the real sector of the economy and continuously seek to respond to its basic needs. One of the most important ways to achieve this goal is to design and use proper and efficient financial tools to finance companies and related projects. Tools such as bonds, mortgage bonds, and *murabaha* bonds are among the tools designed and published for this purpose. To design an efficient Islamic finance tool that addresses all aspects such as financial planning, legal and Islamic jurisprudential considerations, risk management, tax considerations and financial reporting, using an appropriate research method could be helpful. The method of logical research based on analogy (axiomatic) is one of these methods that helps researchers to extract the basic principles of designing financial instruments and also to design appropriate financial instruments.

Keywords

Islamic Financial Instruments, Islamic Securities, Islamic Financial Engineering, Financial Management, Analogical Methodology, Axiomatic.
JEL Classification: G24, C18.

* Ph.D. in Financial Management , Tehran University, Tehran, Iran, asoroosh@gmail.com

کاربرد روش استدلال منطقی مبتنی بر قیاس (آگزیماتیک) در طراحی ابزارهای مالی اسلامی^۱

ابوذر سروش*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۷

مقاله برای اصلاح به مدت ۵۵ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

چکیده

از جمله مهم‌ترین کارکردهای یک نظام مالی اسلامی کارآمد، حمایت از بخش واقعی اقتصاد است. چنین نظامی باید در راستای تقویت بخش واقعی اقتصاد عمل نماید و پیوسته به دنبال پاسخگویی جهت رفع نیازهای اساسی آن باشد. یکی از مهم‌ترین راه‌های دستیابی به این هدف، طراحی و استفاده از ابزارهای مالی صحیح و کارآمد جهت تأمین مالی شرکت‌ها و پروژه‌های مربوط است. ابزارهایی مانند اوراق مشارکت، اوراق اجاره، اوراق مرابحه و... از جمله ابزارهایی هستند که با این هدف طراحی و منتشر شده‌اند. برای طراحی یک ابزار مالی اسلامی کارآمد که در آن به همه ابعاد از قبیل طراحی مالی، ملاحظات فقهی و حقوقی، مدیریت ریسک، ملاحظات مالیاتی و گزارشگری مالی توجه شده باشد، استفاده از یک روش تحقیق مناسب به طراحی صحیح ابزار مالی کمک می‌کند. روش تحقیق منطقی مبتنی بر قیاس (آگزیماتیک) از جمله این روش‌ها است که محقق را جهت استخراج اصول اساسی طراحی ابزار مالی یاری رسانده و کمک می‌کند تا ابزار مالی مناسبی طراحی شود.

واژگان کلیدی

ابزارهای مالی اسلامی، اوراق بهادار اسلامی، مهندسی مالی، مدیریت مالی، روش‌شناسی قیاسی، آگزیماتیک.

طبقه‌بندی JEL: C18, G24.

مقدمه

امروزه تحقیق را اساسی‌ترین کنش نظام‌مند و مبتنی بر اندیشه در تولید علم می‌دانند. سلامت و پویایی علوم وابسته به سلامت و پویایی تحقیق است. در هر یک از شاخه‌های علوم، می‌توان گستره‌ای از راهبردهای پژوهشی را ابزار تولید دانش در آن حوزه دانست، اما تدوین راهبردهای پژوهشی مناسب برای دستیابی به نتیجه مطلوب، باید متناسب و هماهنگ با نوع و جنس واقعیاتی باشد که در هر یک از شاخه‌های علوم، موضوعیت می‌یابد (میرجانی، ۱۳۸۹، ص. ۳۶). روش تحقیق به دنبال یافتن راه و روش رسیدن از معلومات به مجهولات است. این راه و روش برای همه علوم و فنون یکسان نیست زیرا هر چند علوم و فنون محصول اندیشه و فعالیت فکری و عقلانی هستند ولی سبک فعالیت و تحقیق در همه جا یکسان نیست.

در برخی موارد باید راه عمل و آزمایش خارجی را پیش گرفت، در برخی موارد باید تنها به مشاهده و احساس پرداخت، در برخی موارد باید مشاهده حضوری نفسانی را وجهه همت قرار داد و در برخی موارد باید اسلوب برهان و قیاس عقلی را به کار انداخت؛ برخی موارد یکی از این راه‌ها و در برخی موارد دیگر بیش از یک راه مورد استفاده قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۶۸، ص. ۲۲).

روش تحقیق متأثر از دیدگاه معرفت‌شناسی ویژه‌ای است که آن نیز خود برداشت خاصی از جهان است و به شیوه‌های ویژه‌ای از توجه به موضوع عنایت دارد؛ به عنوان مثال روش‌های کمی به مفاهیمی که به خوبی قابل تعریف، و به آسانی و با هزینه کم قابل اندازه‌گیری است، اهمیت می‌دهند (آقانظری، ۱۳۸۶، ص. ۳۱). در طرف مقابل روش‌های نظری بر تحلیل‌های منطقی و عقلانی استوار هستند. مهم‌ترین تنبیه و توجهی که دانشمندان در زمینه روش تحقیق پیدا کرده‌اند آن است که در کدام علم از چه روش و اسلوبی باید استفاده کرد تا به نتیجه مطلوب رسید.

در حوزه اقتصاد و مالی اسلامی به‌طور خاص متأسفانه اغلب پژوهشگران در ایران بدون داشتن روش پژوهش خاص و با تکیه بر روش‌های متعارف که تناسب چندانی با ماهیت دانش اقتصاد و مالی اسلامی در ابعاد مختلف از جمله مسائل فقهی ندارد، در این حوزه پژوهش می‌کنند (سروش، ۱۳۹۵، صص. ۱۳۲-۱۳۵). این امر باعث شده است تا

در برخی موارد اعتبار دستاوردها و نتیجه‌های پژوهش به چالش کشیده شود و نتوان با اطمینان خاطر از نتیجه‌های به‌دست‌آمده استفاده کرد. تنها محدود مواردی وجود دارد که ضمن تأکید بر استفاده از یک روش تحقیق صحیح، به ارائه یک مدل پرداخته‌اند که از جمله آن می‌توان به تحقیق خوانساری و موسویان (۱۳۹۵) اشاره کرد. از این رو به نظر می‌رسد طراحی و تدوین روشی که بتواند به‌عنوان الگوی عملی در پژوهش‌های این حوزه مورد استفاده باشد، نقش اثرگذاری در افزایش اعتبار دستاوردهای پژوهشی و ارتقای جایگاه اقتصاد اسلامی ایفا می‌کند.

مقاله پیش‌رو تلاش دارد تا استفاده از روش تحلیل منطقی مبتنی بر قیاس را در یکی از حوزه‌های اصلی مالی اسلامی، یعنی طراحی ابزارهای مالی ارائه نماید تا امکان دستیابی به نتایج معتبر برای محققین حوزه طراحی ابزارهای مالی فراهم شود. هدف اصلی تحقیق، بررسی نحوه استفاده از روش تحلیل منطقی مبتنی بر قیاس در طراحی ابزارهای مالی اسلامی است.

۱. ماهیت علم

علم در دو معنای متفاوت به‌کار می‌رود. معنای اصلی و نخستین آن، دانستن در برابر ندانستن است؛ مطابق با این معنا، اخلاق، ریاضیات، فقه، دستور زبان، مذهب، زیست‌شناسی و نجوم همه علم هستند. کلمه Knowledge در انگلیسی معادل این معنای علم است (سروش، ۱۳۵۷، ص. ۳).

علم در معنای دوم، منحصرأً به دانستنی‌هایی اطلاق می‌شود که از طریق «تجربه مستقیم حسی» به‌دست‌آمده باشند. علم در اینجا، در برابر جهل قرار نمی‌گیرد، بلکه در برابر همه دانستنی‌هایی قرار می‌گیرد که مستقیماً از آزمون حسی برنمی‌خیزند. کلمه Science در انگلیسی معادل این معنای علم است. علم در این معنا، بخشی از علم به معنای اول را تشکیل می‌دهد و به سخن دیگر، علم تجربی، نوعی از انواع دانستنی‌های بسیاری است که در اختیار بشر می‌تواند قرار گیرد. رشد علم، به معنای دوم عمدتاً از آغاز دوره رنسانس به بعد است درحالی‌که علم، به معنای مطلق آگاهی (معنای اول)، تولدش با تولد بشر آغاز شده است (سروش، ۱۳۵۷، ص. ۳).

با این وجود، اگرچه روش تجربه یک ضرورت انکارناپذیر است، اما از تجربه نمی‌توان انتظار رسیدن به یقین و اطمینان به علت تام یا ناقص را داشت؛ چون روش تجربی غیر از احتمال و گمان محصول دیگری به دنبال ندارد. آنچه از این روش می‌توان انتظار داشت فقط تأیید همبستگی یا گسستگی رابطه بین دو یا چند متغیر مستقل و تابع است (آقانظری، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۷) با این حال در علوم طبیعی گرایش غالب و در عین حال کارآمد، این است که گزاره‌های علمی براساس روش تجربی تأیید شوند.

افرادی که کمابیش تحت تأثیر اندیشه‌های پوزیتیویستی واقع شده‌اند، به گمان اینکه روش تجربی تنها روش علمی و یقین‌آور است و با روش تعقلی به هیچ نتیجه قطعی نمی‌توان رسید، چنین می‌پندارند که این ویژگی مایه نقص و کم‌بهای اندیشه‌های غیرتجربی می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۵). این در حالی است که در علوم انسانی روش کارآمد فقط تجربه نیست، بلکه با روش قیاس منطقی نیز می‌توان به همان درجه از تأیید دست‌یافت که با روش تجربه می‌توان به آن درجه از تأیید رسید (آقانظری، ۱۳۸۶، ص. ۱۶۴).

۲. روش‌های کشف مجهولات

تلاش برای کشف مجهولی با استفاده از معلوم دیگر، به سه صورت ذیل انجام می‌گیرد:

۱. سیر از جزئی به جزئی دیگر. یعنی دو موضوعی که مشابه یکدیگرند و حکم یکی از آنها معلوم است، به استناد شباهتی که میان دو موضوع وجود دارد، همان حکم را برای دیگری اثبات کنیم. اینکار را به اصطلاح منطقی «تمثیل» می‌گویند. بدیهی است که صرف مشابهت دو موضوع، موجب یقین به اشتراک حکم آنها نمی‌شود. از این رو تمثیل مفید یقین نیست و ارزش علمی ندارد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۹).

۲. سیر از جزئی به کلی. یعنی با بررسی افراد یک ماهیت و یافتن خاصیت مشترکی بین آنها، حکم کنیم که خاصیت مزبور برای آن ماهیت، ثابت است و در همه افراد آن، تحقق دارد. این کار را در منطق «استقراء» می‌گویند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۹). در استقراء ذهن با اتکا به تجربه از معرفت به حال جزئیات،

به قانون دست می‌یابد. یعنی وقتی فرضیه‌ای بدون اینکه دخالت و فعالیت عقلانی دیگری لازم باشد، در نتیجه توافق آن با تمام امور مشاهده و آزمایش شده محقق می‌گردد آن فرضیه مبدل به قانون می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۸، ص. ۱۰۹). روش‌های تحقیق مبتنی بر رویکرد استقرا به صورت کلی به روش‌های تحقیق کمی و کیفی و یا آمیخته طبقه‌بندی می‌شوند. مسأله اصلی روش استقرا این است که حتی اگر در بسیاری از موارد فرضیه‌ای تأیید شود، نمی‌توان آن را به همه موارد تعمیم داد و قانون علمی دانست که در همه موارد صدق کند^۲ (آفانظری، ۱۳۸۶، ص. ۲۰).

۳. سیر از کلی به جزئی. یعنی نخست، محمولی (مفهومی) است که بیانگر حکم و اظهار نظر درباره موضوع است) برای یک موضوع کلی ثابت شود و براساس آن، حکم جزئیات موضوع معلوم گردد. چنین سیر فکری که در منطق «قیاس» نامیده می‌شود، با شرایطی مفید یقین می‌باشد؛ یعنی در صورتی که مقدمات آن یقینی باشند و قیاس هم به شکل صحیحی تنظیم شده باشد، یقین حاصل می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۹).

در یک بررسی اجمالی در قیاس، ذهن همیشه حق دارد از اصولی که قبلاً وضع و قبول کرده است نتایجی که منطقاً ضروری است بیرون بکشد ولی در استقراء که مبتنی بر تجربه است نمی‌تواند از حدود تجربی تجاوز کرد و حکمی را که درباره جزئیات صادق است درباره وقایعی که هنوز تجربه نکرده است تعمیم داد (طباطبایی، ۱۳۶۸، ص. ۱۱۰). استدلال برای یک مسأله، همیشه به صورت یک سیر است. این سیر فکری گاهی با صراحت و روشنی انجام می‌گیرد، مانند قیاس منطقی، و گاهی به طور ضمنی، مانند تمثیل و استقراء؛ و گاهی مفید یقین است، مانند قیاس برهانی و استقراء تام، و گاهی یقین‌آور نیست، مانند قیاسات جدلی و خطابی، و تمثیل و استقراء ناقص.

۳. روش‌شناسی قیاسی

در روش‌شناسی قیاسی، علم، مجموعه گزاره‌هایی فرض می‌شود که به صورت یک سیستم ساختاریافته‌اند؛ گزاره‌هایی که خود از مجموعه‌ای از اصطلاحات پدید می‌آیند؛

بدین ترتیب، ابتدا گزاره‌ها و احکام مبنایی هر علم شناسایی می‌شوند و سپس سایر احکام و قضایا از آنها استنباط می‌گردد (میرزایی اهرنجان، ۱۳۸۵، ص. ۳۳). چنین نظامی بر مجموعه‌ای از اصطلاحات با عنوان «حدود اولیه^۳»، تعریف اصطلاحات دیگر براساس آنها و گزینش مجموعه‌ای از گزاره‌ها با عنوان اصول موضوعه و استنتاج گزاره‌های دیگر از آنها مبتنی است. هدف از کاربرد این روش در یک نظام معرفتی روشن ساختن و سازمان‌دهی منطقی مباحث و آشکار نمودن مبادی تصوریه و تصدیقیه آنهاست (کشفی، ۱۳۸۱، صص. ۲۲۱-۲۲۲). مبادی تصوریه هر علم، تعریف موضوع و محمول آن (تعاریف)، و مبادی تصدیقیه، اصول و قواعدی است که دلایل آن علم بر آنها مبتنی می‌گردد (ربانی گلپایگانی، ۱۳۶۹، ص. ۵۷). مبادی تصدیقیه شامل اصول متعارفه و اصول موضوعه می‌باشد. مبادی تصوریه و تصدیقیه هر فنی به منزله نقاط اتکا و از لحاظی به منزله ابزار و اسباب کار آن فن به‌شمار می‌رود.

در نگاه اول چنین می‌نماید که کمال مطلوب در یک نظام قیاسی آن است که هر اصطلاحی که در آن تعریف و هر گزاره‌ای اثبات شود. اما دستیابی به این مطلوب ممکن نیست، چراکه در تعریف هر اصطلاح، به‌ناچار اصطلاحات دیگر و در اثبات هر گزاره، ناگزیر گزاره‌های دیگر در کار می‌آیند و این یا به سلسله‌ای نامتناهی از تعاریف و گزاره‌ها می‌انجامد و یا دور حاصل می‌آید که هر دو نفی اعتبار علم را به‌دنبال دارند.

می‌توان تا حدی به این کمال نزدیک شد، به‌این‌ترتیب که دسته کوچکی از اصطلاحات را به‌عنوان حدود اولیه یا تعریف ناپذیرهای آن علم، اختیار و سپس اصطلاحات و حدود دیگر را برحسب آنها تعریف کرد. اصطلاحات و حدود جدیدی که از این رهگذر به‌دست می‌آیند را حدود معرف (تعریف‌پذیرها)^۴ می‌نامند. در تأسیس یک نظام قیاسی باید از اصطلاح جدیدی استفاده نکرد، مگر آنکه پیش از استفاده، برحسب حدود اولیه یا حدودی که قبلاً تعریف‌شده‌اند، تعریف‌شده باشد (کشفی، ۱۳۸۱، ص. ۲۲۱). در مورد گزاره‌های علم نیز به‌همین ترتیب عمل می‌شود: بعضی گزاره‌ها با عنوان اصول موضوعه انتخاب‌شده و بدون اثبات پذیرفته می‌شوند. پس از گزینش این اصول، هر گزاره دیگر فقط و فقط آنگاه صادق است که از اصول یا گزاره‌های دیگری

که قبلاً ثابت شده‌اند، استنتاج گردد (کشفی، ۱۳۸۱، ص. ۲۲۳). هر گزاره و حکمی که بدین شیوه اثبات شود، یک قضیه^۵ نامیده می‌شود.

۴. قضیه

قیاس مجموعه‌ای مرکب از دو یا چند قضیه است که اگر آنها را صادق و درست فرض کنیم، قضیه دیگری نتیجه می‌شود که قطعاً صادق خواهد بود (خندان، ۱۳۷۹، ص. ۱۲۲). به این ترتیب مجموعه‌ای از اصول عقلانی معتبر به مثابه اصول مبنایی مدنظر قرار گرفته تا قضایایی به‌طور منطقی از آنها استنباط شوند.

قضایا به دو صورت قضیه ساده و مرکب هستند. قضیه ساده دارای سه بخش است که شامل موضوع (امری است که درباره آن حکم و اظهار نظر می‌شود)، محمول (مفهومی است که بیانگر حکم و اظهار نظر درباره موضوع است) و رابط (فعل ربط است و نشان می‌دهد میان موضوع و محمول رابطه‌ای وجود دارد) می‌باشد. موضوع و محمول هر قضیه را اصطلاحاً دو «حد» آن قضیه می‌گویند (خندان، ۱۳۷۹، ص. ۹۹).

قضایا را می‌توان به دو قسم اصلی شامل قضایایی که موضوع آنها یک مفهوم جزئی است و قضایایی که موضوع آنها یک مفهوم کلی است تقسیم‌بندی کرد. قضایایی که در آنها اولاً مصادق موضوع مورد نظر باشد و ثانیاً موضوع جزئی باشد که یک اسم خاص یا ضمیر نشانگر آن است اصطلاحاً قضایای «شخصی» نامیده می‌شوند. قضایایی که موضوع آنها یک مفهوم کلی است و مصادیق آنها مفهوم مورد نظر است بر دو قسم شامل «مهمل» و «مسور» تقسیم می‌شوند. قضیه «مهمل (بدون سور)» قضیه‌ای است که کمیت افراد مصادیق موضوع بیان‌نشده است یعنی معلوم نیست که حکم قضیه درباره همه افراد موضوع است یا درباره برخی از آنها. قضیه «مسور» قضیه‌ای است که کمیت موضوع آن معلوم است و تصریح شده که همه افراد موضوع مشمول حکم قضیه هستند یا برخی از آنها. کمیت یک قضیه به وسیله الفاظی مانند همه، هر، برخی و... بیان می‌شود که آنها را سور قضیه می‌نامند. به قضایایی که دارای سور همه، هر و یا هیچ یا سورهایی به این معانی باشند، قضایای کلی نامیده می‌شوند و قضایایی که دارای سور برخی، بعضی و... می‌باشند قضایای جزئی می‌نامند. قضیه مسور، کامل‌ترین و دقیق‌ترین شکل قضیه است

که در همه علوم از آن استفاده می‌شود؛ از این رو در منطق نیز به این نوع قضیه توجه بیشتری می‌شود (خندان، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۰).

استدلال از قضایای معلوم به عنوان مقدمه، قضیه جدید به عنوان نتیجه به دست آمده می‌آید. در استدلال قیاسی مجموعه‌ای مرکب از دو یا چند قضیه استفاده می‌شود که اگر آنها صادق باشند قضیه دیگری نتیجه می‌شود که قطعاً صادق خواهد بود.

نکته مهم در استخراج صحیح قضایا آن است که برای مصون ماندن از خطای در فکر کردن باید به دو موضوع توجه کرد:

۱. باید از معلومات صحیح (ماده قیاس - یقینیات) استفاده شود (منطق مادی یا صناعات خمس).

۲. باید قضایا به صورت درست چیده شوند (منطق صوری).

۵. فرایند طراحی نظام منطقی قیاسی

نگرش کنونی به روش‌شناسی قیاسی که به روش اصل موضوعه و روش اگزیوماتیک^۶ نیز معروف است (نبوی، ۱۳۶۹، ص. ۲۷؛ میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵، ص. ۳۳) حاصل سیر تکاملی اندیشه بشر در طول تاریخ بوده و یکی از شاهکارهای تفکر انسان و نشانه تعالی اندیشه وی محسوب می‌شود (نبوی، ۱۳۶۹، ص. ۲۷). در این شیوه که از جمله شیوه‌های شناخت نیز محسوب می‌شود، آنچه اهمیت دارد، منطق و استدلال است (ساروخانی، ۱۳۸۶، ص. ۱۶). باید توجه داشت که روش اصل موضوعه به شدت به منطق ریاضی وابسته است. قواعد کلی قیاس چیزی جز کاربرد قواعد کلی ریاضی از قبیل تساوی، اصل تعدی، جمع‌پذیری و مانند آن نیست (قحف، ۱۳۸۵، ص. ۱۷۶).

اگر بخواهیم ساختار علوم قیاسی را در یک جمله خلاصه کنیم باید بگوییم «در عالی‌ترین و کامل‌ترین صورت، ساختار علوم قیاسی، ساختار هندسی و اصل موضوعی است». مبانی نظری روش اصل موضوعی (اگزیوم) برای اولین بار در کتاب «ارغنون» ارسطو ارائه شد (نبوی، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۵). ارسطو مبادی علوم را به سه دسته تقسیم می‌کند و معتقد است که هرکس به آموختن دانشی می‌پردازد باید تا جایی که به آن دانش ارتباط می‌یابد، شناخت‌هایی در آن سه دسته حاصل کند. این مبادی عبارتند از حدود یا

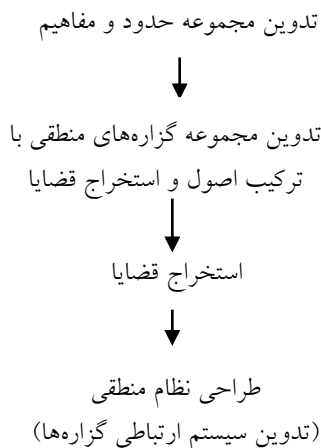
تعاریف، اصول متعارفه و اصول موضوعه (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷، ص. ۳۰۶). بنابر عقیده او هر علم باید از اصولی آغاز شود که به آن «اصول اولیه» گفته می‌شود. در میان این اصول بعضی مختص علمی خاص هستند و برخی بین تمامی علوم مشترک است (Mangal & Mangal, 2013, p. 26).

از آنجاکه این روش را اقلیدس^۷ در تألیف کتاب مهم خود در ریاضیات یعنی کتاب «اصول هندسه» به کار گرفت، به شیوه هندسی^۸ نیز معروف است (نبوی، ۱۳۶۹، ص. ۲۷). اقلیدس در کتاب خود اظهار می‌دارد که اصول اولیه به دودسته شامل اصول متعارف و اصول موضوعه تقسیم می‌شود. از نظر تاریخی مرز روشنی بین این دو واژه وجود دارد. این دو نباید به یک معنا مورد استفاده قرار گیرند اگرچه در بسیاری از موارد این دو هم‌معنی در نظر گرفته می‌شوند (Mangal & Mangal, 2013, p. 26).

روش تحلیل منطقی مبتنی بر آگزیوم و اصول موضوعه با تکیه بر فراگردهای استنتاج و استنباط منطقی، به تحلیل روابط بین حدود و تعاریف، گزاره‌ها و احکام پرداخته و تعدادی اصل زیربنایی (آگزیوم)، و قضیه مبتنی بر آنها استخراج می‌کند و نظام منطقی نهایی بر این اساس طراحی می‌گردد (نبوی، ۱۳۶۹، صص. ۲۷-۲۸). بدیهی است یک نظام منطقی نباید ناسازگار باشد؛ ضمن اینکه باید در طراحی آن از زیاده‌گویی یا همان‌گویی اجتناب گردد (کشفی، ۱۳۸۱، ص. ۲۲۵).

بنابراین در طراحی یک نظام منطقی قیاسی باید بر مبنای حدود اولیه، حدود معرف ساخته شوند و با استفاده از آنها اصول موضوعه طراحی شوند و این همه، مقدمه رسیدن به قضایایی است که با روش تحلیل منطقی حاصل می‌گردند (بیدگلی و پورعزت، ۱۳۸۸، صص. ۹۳-۹۴).

در روش‌شناسی قیاسی ابتدا تلاش می‌شود تا گزاره‌ها و احکام مبنایی هر علم شناسایی شوند و سایر احکام و قضایا از آنها استنباط گردند، بدین ترتیب یک نظام استدلالی منطقی شکل می‌گیرد.



نمودار (۱): فراگرد تأسیس یک نظام منطقی

منبع: پورعزت، ۱۳۸۳، ص ۱۰

در علومی همانند ریاضیات و منطق که دارای ساختار قیاسی کامل هستند؛ علاوه بر اصول موضوعه می‌توان از قضایای اثبات شده قبل نیز بهره گرفت. روش مزبور را روش «آزمون اصل موضوعی»^۹ می‌نامند. روش اصل موضوعی، عالی‌ترین و کامل‌ترین صورت آزمون پیشینی - قیاسی است.

روش آزمون اصل موضوعی در علومی جاری است که علاوه بر سازگاری دارای ساختار کامل هندسی - قیاسی نیز باشند؛ اما از آنجاکه بسیاری از علوم نظری به معنای دقیق کلمه، همانند علوم صوری (ریاضی و منطق) اصل موضوعی نشده‌اند و اصل موضوعه آن علوم کاملاً مشخص و تعریف شده نیستند، استفاده از روش اصل موضوعی در این سیستم‌ها نیز میسر نیست. در این صورت می‌توان از روش آزمون ضعیف‌تری بهره گرفت که آن را «تحلیل منطقی»^{۱۰} می‌نامند. در این روش، محقق پس از طراحی مسأله و تدوین و ارائه فرضیه نظری خویش، از پاره‌ای احکام شناخته شده سازگار در آن علم بهره می‌گیرد و در مقام اثبات، توجیه و تحلیل منطقی فرضیه‌اش برمی‌آید (نبوی، ۱۳۸۹، صص. ۲۳۰-۲۳۶).

۶. اصول متعارف و اصول موضوعه

اصول متعارفه یا مبادی علی‌الاطلاق عبارت است از (طباطبایی، ۱۳۶۸، ص. ۱۸): «یک یا چند اصلی که دلایل و براهین آن علم بر روی آنها بناشده و خود آن اصول، بدیهی و غیرقابل تردید است و هیچ ذهنی خلاف آن را جایز نمی‌شمارد». مانند اصل کل و جزء (کل از جزء بزرگتر است) و اصل مساوات (دو مقدار مساوی با یک مقدار، مساوی با یکدیگرند) در هندسه و اصل امتناع تناقض در فلسفه و منطق. درستی اصول متعارف به‌خودی‌خود یقینی و ثابت است و عقل سلیم آنها را بدون واسطه تصدیق می‌کند. این‌گونه قضایا قواعد حاکم بر هرگونه شناخت علمی را تشکیل می‌دهند، بدین‌معنا که روابط معلومات جدید، از هر موضوعی که باشند، ضرورتاً تابع این اصول عام است که عقل به نحو ذاتی به آنها گواهی می‌دهد (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷، ص. ۳۰۷).

اصول موضوعه عبارت است از «یک یا چند اصلی که برخی از دلایل آن علم متکی به آنهاست و خود آن اصول بدیهی و جزمی اذهان نیست و دلیلی هم عجزاً بر صحت آن اصول نیست ولی آن اصول را مفروض‌الصحه گرفته‌ایم». بنابراین مبدئیت اصول موضوعه نسبی است، یعنی این گزاره‌ها تنها در قیاس با برخی علوم، مبدأ محسوب می‌شوند درحالی‌که اصول متعارف، مبادی جمیع علوم محسوب می‌شوند. البته ممکن است که یک اصل موضوع در یک علم، جنبه «وضعی» و فرضی داشته باشد ولی در علم دیگر با دلایل مخصوص آن علم به تحقیق پیوسته باشد؛ مثلاً اینکه در علوم طبیعی از اصول ریاضی و در علوم ریاضی از اصول طبیعی و در هر یک از این‌ها از اصول فلسفی و در فلسفه از هر یک از این‌ها استفاده شود.

بنابراین تفاوت اصل متعارف و اصل موضوع به این است که اصل متعارف به‌خودی‌خود قطعی و جزمی است و ذهن خلاف آن را جایز نمی‌شمارد و اصل موضوع به‌خودی‌خود غیرقطعی است و ذهن خلاف آن را جایز می‌شمارد خواه آنکه آن اصل موضوع به‌طور مطلق جنبه وضعی و فرضی داشته باشد و یا آنکه با توجه به یک‌رشته دلایل که مخصوص فن‌دیگری است غیراز آن فنی که این اصول موضوعه مورد استفاده آن فن قرار گرفته، جنبه قطعیت و ضرورت پیدا کرده باشد و به تحقیق پیوسته باشد (طباطبایی، ۱۳۶۸، ص. ۱۸).

بنابراین اصل موضوع در علمی که آن را اصل می‌گیرد قابل اثبات نیست، زیرا اثبات آن مبتنی بر مقدماتی بیرون از حوزه آن علم است و اگر فرض شود که چنین مقدماتی در آن علم وجود دارد، همان‌ها را باید اصل تلقی کرد. بدین‌گونه هر نظام علمی یا مجموعه استنتاجی دارای قضایایی ویژه است که در آن نظام از درستی آنها بحث نمی‌شود، یعنی نمی‌توان آنها را به قضایای دیگری از همان مجموعه حواله داد. بنابراین کسی که به آن نظام علمی می‌پردازد، ناگزیر است قضایای بنیادی را بی‌مناقصه به‌عنوان اصل موضوع بپذیرد (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷، ص. ۳۰۷).

آنچه پذیرش برخی گزاره‌های اثبات‌پذیرد به‌عنوان اصول موضوعه در علوم گوناگون ضرورت می‌بخشد، حفظ تمایز علوم و استقلال نظام‌های علمی است. گزاره‌ای که از مبادی علم خاصی نتیجه گرفته می‌شود، ممکن است در علم دیگری به‌عنوان مبنا مقدمه پاره‌ای استنتاج‌ها قرار گیرد و طبیعی است که بحث درباره خود این گزاره از موضوع علم دوم بیرون است. بنابراین، پرداختن به اثبات چنین مقدمه‌ای موجب تداخل موضوع و بی‌معنا شدن تعدد علوم خواهد شد. به‌عنوان مثال برخی از مبادی علم نورشناسی، از مسائل علم هندسه به‌شمار می‌رود و لازمه تمایز این دو علم واگذار کردن اثبات آنها به علم هندسه است (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷، ص. ۳۰۸).

تفاوت اصول متعارف و اصول موضوعه به‌اجمال در ادامه آورده شده است (نبوی، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۶):

۱. اصول متعارف، احکامی بدیهی و منطقی هستند مثل اجتماع دو نقیض محال است ($(P \wedge \sim P) \sim$) اما اصول موضوعه، وضعی، قراردادی و غیربدیهی هستند.
۲. اصول متعارف از آنجاکه اصول منطقی‌اند، احکام مشترک تمام علوم بوده، در تمامی رشته‌ها ساری و جاری‌اند، اما اصول موضوعه از آنجاکه برای تأسیس علمی معین وضع می‌شوند، رنگ آن علم را داشته، براساس اصطلاحات رایج آن علم بیان می‌شوند. بنابراین اصول موضوعه هندسه دارای محتوای ریاضی و اصل موضوع فلسفه دارای محتوای فلسفی هستند.

هرگزاره و حکمی که براساس اصول موضوعه و به شیوه اصل موضوعی اثبات گردد قضیه نامیده می‌شود. قواعد اثبات‌کننده، یعنی قواعدی که با اجرا روی اصول موضوعه، قضایا را به دست می‌دهند، قواعد استنتاجی منطقی هستند (نبوی، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۸).

۷. جایگاه روش قیاسی - اصل موضوعی در اقتصاد و مالی

روش قیاسی - اصل موضوعی در علوم مختلف از جمله منطق، ریاضیات، فیزیک، مکانیک نظری، فلسفه نظری و علوم انسانی و اجتماعی کاربرد دارد (نبوی، ۱۳۸۹، صص. ۲۲۱-۲۲۷). در حوزه علم اقتصاد فرانسواکنه^{۱۱} اولین اقتصاددانی بود که مقدمات علمی کردن روش‌شناسی اقتصادی را فراهم کرد (تفضلی، ۱۳۸۸، ص. ۵۱۲). وی تأکید کرد برای آنکه اقتصاد به صورت یک علم درآید، باید از سیاست جدا شود و از علم منطق الهام گیرد و در این زمینه پیشنهاد استفاده از روش قیاس منطقی را ارائه کرد. این روش مورد تأیید و بررسی مجدد آدام اسمیت^{۱۲} قرار گرفت. وی با استفاده از روش قیاس برای طرح نظریه‌های اقتصادی، روش‌شناسی علم اقتصاد را به صورت یک علم منطقی تکمیل تر کرد. بعدها علم اقتصاد در چارچوب شیوه تفکر مکاتب کلاسیک و نئوکلاسیک به صورت یک «علم منطقی محض» درآمد، به طوری که حتی برخی از اقتصاددانان نئوکلاسیک اعتقاد پیدا کردند که چون علم اقتصاد مطالعه روش‌ها یا فرضیه‌های مربوط به اتخاذ تصمیمات عقلایی و منطقی است، نیازی به آزمون تجربی این فرضیه‌ها نمی‌باشد (تفضلی، ۱۳۸۸، صص. ۱۷ و ۵۱۳). براساس این دیدگاه‌ها، علوم اقتصادی مطالعه تصمیمات عقلایی و منطقی است و با توجه به اینکه این تصمیمات در شرایطی اتخاذ می‌شوند که هر یک از فرضیه‌های مورد نظر باید قاعدتاً از طریق انتزاعی قیاس به دست آیند، نیازی به آزمون آنها نیست. بنابراین بهترین معیار برای ارزیابی آنها همان منطقی است که در طرح آنها به کاررفته است. از این رو برای طرح نظریه علمی در اقتصاد لازم است از استدلال منطقی قیاس استفاده شود (تفضلی، ۱۳۸۸، ص. ۵۱۳).

در حوزه اقتصاد و مالی اسلامی نیز شرایط مشابهی وجود دارد. می‌توان نظریات علمی اقتصاد اسلامی را تدوین کرد و از مجموعه این نظریات علمی بر محور موضوع واحد، منظومه‌ای معرفتی که طبعاً، هم قابلیت کاربردی دارد و هم تجربه‌پذیر است، به

وجود آورد و درنهایت، علم اقتصاد اسلامی را شکل داد. هرچند تأیید برخی از آنها براساس روش تجربه در مرحله دیگری انجام می‌گیرد، زیرا تمام قضایا و گزینه‌هایی که در این منظومه معرفتی قرار می‌گیرند، نیاز به تأیید تجربی ندارند. قضایایی از قبیل «هر انسانی حداکثر سود و منفعت خود را جستجو می‌کند»، یک قضیه بنیادین و چشمه‌جوشان بسیاری از قضایای دیگر در علم اقتصاد کلاسیک است. هیچ اقتصاددانی مدعی نیست که چنین قضیه بنیادینی با روش تجربه اثبات یا تأیید شده است. در واقع مانند چنین قضیه‌ای که نیاز به تأیید تجربی ندارد، در این منظومه معرفتی و علم اقتصاد اسلامی وجود دارد و به‌طور منطقی می‌توان این دسته از قضایا را تحلیل و تبیین کرد. از این گذشته، آنگاه که قوانین و حقوق مالی اسلامی در روابط اجتماعی به‌کار گرفته شود و نهادهای اجتماعی - اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی شکل گیرد، به‌طور طبیعی رفتارهای اجتماعی - اقتصادی نیز تحت‌تأثیر آموزه‌های دینی قرار می‌گیرد و در نتیجه، زمینه آزمون‌پذیری و تأیید تجربی برخی نظریات علمی اقتصاد اسلامی فراهم می‌شود (آقانظری، ۱۳۸۶، صص. ۹۰-۹۱). چارچوب حاکم بر هر نظام منطقی از نظریه‌های عام در خصوص انسان و هستی نتیجه گرفته‌شده و مبنای فلسفی آن نظام تلقی می‌گردد. اقتصاد اسلامی نیز از این جهت به‌مجموعه‌ای از گزاره‌ها و قضایای یقینی قبل از علم مبتنی است (آقانظری، ۱۳۸۶، ص. ۹۳).

اقتصاد اسلامی در معنای جدید خود از دهه ۱۹۷۰ میلادی توسعه یافت، که به‌دنبال رفع مشکلات موجود در اقتصاد متعارف و ارائه مدلی جدید برای اقتصاد مبتنی بر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی جدید بود. در این میان توجه به مالی اسلامی که وظیفه اصلی آن تأمین مالی بخش واقعی اقتصاد است نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. گزاره‌های مالی اسلامی مبتنی بر قوانین فقهی و ارزش‌های اخلاقی اسلام شکل می‌گیرند؛ اگرچه شکل و جوهر و کنه این گزاره‌ها نیز باید مبتنی بر اسلام باشند (Javaid & Hassan, 2013, p. 2).

در حوزه مالی اسلامی افرادی مانند احمد^{۱۳} (۱۹۸۰ و ۲۰۰۳)، صدیقی^{۱۴} (۱۹۸۱)، چیرا^{۱۵} (۱۹۹۲)، غزالی^{۱۶} (۱۹۹۴) و سیراگلدین^{۱۷} (۲۰۰۲) به استفاده از روش قیاس

اشاره کرده‌اند و در این زمینه نسبت به توسعه این روش از دیدگاه مالی اسلامی اقدام کرده‌اند.

در مهم‌ترین تحقیق صورت گرفته در این زمینه آسوتی^{۱۸} در سال ۲۰۰۷ براساس تحقیقات قبلی فرآیند انجام تحقیق را به شرح ذیل ذکر کرده است (Asutay, 2007):

۱. تعیین چارچوب پارادایمی (براساس هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی)؛
۲. تعیین سیستم ارزشی حاکم بر اقتصاد اسلامی؛
۳. تعیین اصول (آگزیوم‌های) بنیادین؛
۴. استخراج اصول عملی / سازوکارها؛
۵. استفاده از اصول در طراحی ابزار مالی.

قحف (۱۳۸۴) معتقد است دانش از چهار کانال شامل شنیدن، مشاهده، قیاس منطقی و وحی الهی به دست می‌آید. سه کانال نخست به صورت ترکیبی ساختار عمومی روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی را تشکیل می‌دهند؛ علمی که به مطالعه رفتار بشر با طبیعت جهانی و با قطع نظر از باور، فرهنگ و نژاد وی و نیز کشف آثار باور و... می‌پردازد. وحی که در تعداد کمی از امور مشاهده‌ای و عقلانی یافت می‌شود، به عنوان موضوعی ایمانی تلقی شده و مسلمانان باور دارند که هر آنچه از خداوند متعال رسیده حقیقت مطلق است؛ بنابراین آنها در این زمینه هیچ نیازی به تحقیق و آزمون احساس نمی‌کنند. وی معتقد است کاربرد مشاهده، آزمایش و قیاس منطقی مبتنی بر اصول منطق ریاضی نیز برای کسب دانش و کشف طبیعت رفتار بشر مورد تأیید قرآن کریم است؛ اما بین علوم اجتماعی و علوم طبیعی در این باره تفاوت وجود دارد، مانند اینکه در علوم طبیعی اغلب می‌توان شرایط مشاهده را ثابت نگه داشت و آن را به خوبی تکرار کرد؛ اما در علوم اجتماعی چنین نیست؛ زیرا انجام آزمون‌های اجتماعی به طور معمول هزینه‌بر و غیرانسانی است. از این رو اندیشه‌وران علوم اجتماعی به تاریخ و مشاهدات آماری پناه می‌آورند و تکیه بیشتری بر قیاس منطقی و شبیه‌سازی نتیجه‌ها تحت مجموعه گوناگونی از فرضیه‌ها می‌کنند؛ در نتیجه انسان در علم اقتصاد با نوع تحلیل «اگر، آنگاه» بیشتر از علوم طبیعی برخورد می‌کند (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱).

قحف (۱۹۹۱) در تحقیق خود بیان می‌دارد که می‌توان از طریق تعیین یک‌سری از آگزیوم‌های تعیین‌شده در شریعت جهت ارائه و تحلیل موضوعات حوزه مالی اسلامی استفاده کرد. این اصول برای طراحی تمامی روش‌های تأمین مالی کاربرد دارد. به عقیده ایشان این اصول عبارتند از (Kahf, 1991, pp. 12-15):

۱. مالکیت دارایی سرمایه‌گذاری شده از آن سرمایه‌گذار است.
۲. می‌توان از کار یا دارایی سود کسب کرد.
۳. عوامل تولید مانند سرمایه، نیروی کار (مشمول بر کارآفرینی) و زمین ممکن است براساس میزان ریسک وارد چرخه تولید شوند.
۴. تأمین مالی اسلامی به صورت غیرقابل انکاری باید به بخش واقعی اقتصاد (تولید کالا یا خدمت) متصل باشد.

وی درباره روش علم اقتصاد اسلامی در مقالاتی نظریات خود را بیان کرده و دو مقاله اصلی وی در کتاب فلسفه علم اقتصاد اسلامی (میرمعزی، ۱۳۸۸، صص. ۵۷ و ۲۰۷) بررسی و نقد شده است. قحف تأکید می‌کند روش استخراج نظام اقتصادی اسلام شامل موارد ذیل است (قحف، ۱۳۸۵):

۱. استخراج فلسفه یا عقاید اقتصادی.
۲. تدوین اصول موضوعه، فرض‌ها و قواعد کلی که از عقاید اقتصادی اخذ می‌شوند.
۳. تدوین قوانین اجرایی که وقتی درباره منابع مادی و انسانی معین اجرا شوند، سبب می‌شوند تا روابط بین تولید، توزیع و مصرف نیز قاعده‌مند شوند.

بررسی تحقیقات مشابه با در نظر گرفتن روش این تحقیق (تحلیل منطقی مبتنی بر قیاس)، نشان می‌دهد که مراحل تحقیق به شرح ذیل خواهند بود:

۱. انتخاب و تعیین حدود و تعاریف.
۲. تدوین اصول (موضوعه و متعارف).
۳. تحلیل مقایسه‌ای و استنتاج قضایا.
۴. طراحی مدل‌های مالی اوراق.

در صورت طی چنین مراحل مدلی مالی اوراق با توجه به ابعاد فقهی و حقوقی حاکم بر فضای طراحی، می‌تواند ارائه شود؛ البته پس از تعیین روابط مالی، بررسی ابعاد حسابداری، مدیریت ریسک و توجه به مسائل مالیاتی و گزارشگری مالی اهمیت ویژه‌ای دارند.

برای تشریح بهتر موضوع، این مراحل به صورت خلاصه، برای اوراق سفارش ساخت ارائه شده‌اند:

۱. انتخاب و تعیین حدود و تعاریف. تعریف، مهم‌ترین عمل ذهن بر روی مفاهیم و تصورات است. تعریف کمک می‌کند تا پیش از ورود به مسائل هر علم، تصور روشنی از موضوع یا موضوعات اصلی مورد نظر ارائه شود تا دقیقاً مشخص شود درباره چه چیزی سخن گفته می‌شود (خندان، ۱۳۷۹، ص. ۶۳). در ارتباط با اوراق سفارش ساخت تعاریف مختلفی وجود دارد. اولین تعریف و بحث حقوقی در زمینه سفارش ساخت را می‌توان در قانون المجله که قانون دولت عثمانی بوده و تابع عقاید حنفیه است، یافت. فقها و حقوق‌دانان امامیه نیز به ارائه تعاریف مختلف در این زمینه پرداخته‌اند. تعریف عقد سفارش ساخت، بر طراحی مدلی مالی تأثیرگذار است، زیرا تعریف مبنا و اولین گام از گام‌های ۴ گانه است که مبانی طراحی را مشخص می‌کند. بر این اساس عقد سفارش ساخت را می‌توان به شرح ذیل تعریف کرد (سروش و موسویان، ۱۳۹۵، ص. ۶۴۱): «سفارش ساخت قراردادی بین دو شخص است که به موجب آن سفارش‌دهنده به سازنده سفارش ساخت کالا یا شیء معین با اوصاف و خصوصیتی مشخص را می‌دهد تا سازنده در دوره زمانی معین کالای مورد سفارش را بسازد و کالا پس از ساخت کامل به مالکیت سفارش‌دهنده درآید» (شنیور و اخترنیا، ۱۳۹۳، ص. ۲۳).

۲. تدوین اصول (موضوعه و متعارف). اصل یا بُنداشت گزاره‌ای است که بدون اثبات و به شکل پیش فرض پذیرفته می‌شود و از روی آن سایر گزاره‌ها استخراج می‌شوند. براساس تحقیقات عیوضلو (۱۳۸۷)، مطهری (۱۳۶۸)، قحف (۱۹۹۱)، موسویان (۱۳۹۱) و... از مهم‌ترین اصول متعارف در طراحی ابزارهای مالی

اسلامی می‌توان به وجود روابط مالی مبتنی بر حق و عدالت (اصل حرمت اکل مال به باطل و اصل ثبات مالکیت یا اصل تبعیت نما از اصل)، لزوم تطابق نظام مالی اسلامی با فلسفه کلی نظام اقتصاد اسلامی (اصل نفی غرر در معاملات و اصل آزادی قراردادها) و تطابق با موازین، مقررات و مصالح اجتماعی (اوفوا بالعقود، المؤمنون عند شروطهم، اصل تزامم و قاعده لاضرر و لاضرار) اشاره کرد. در ارتباط با اصول موضوعه که برگرفته از سایر علوم است و در حوزه طراحی ابزارهای مالی اسلامی عمدتاً برگرفته از فقه و حقوق است باید متناسب با ابزار مالی در حال طراحی، از اصول مربوط استخراج شود. به‌عنوان مثال در طراحی اوراق سفارش ساخت می‌توان به اصول موضوعه ذیل اشاره کرد: مستقل بودن قرارداد سفارش ساخت، لزوم قرارداد سفارش ساخت، ماهیت تعهدی بودن قرارداد سفارش ساخت، لزوم تهیه مواد توسط سازنده و صحت بیع دین که از اصول فقه و حقوق استخراج شده‌اند.

۳. تحلیل مقایسه‌ای و استنتاج قضایا. با توجه به تعاریف و اصول مطرح شده در بندهای ۱ و ۲ (خصوصاً اصول موضوعه)، قضایای لازم در طراحی ابزار مالی باید استخراج شوند. به‌عنوان مثال در طراحی اوراق سفارش ساخت می‌توان به قضایای از قبیل موارد ذیل اشاره کرد:

- همه عقود دارای دو طرف هستند. استصناع نیز چون یک عقد است دارای دو طرف است. طرفین عقد استصناع شامل سفارش‌دهنده (مستصنع) و سازنده (صانع) می‌باشند.
- در هر عقدی باید طرفین شرایط عمومی را داشته باشند. شرایط عمومی هر عقد عبارتند از: بلوغ، اختیار، عقل، قصد و عدم حرج. در استصناع نیز باید این شرایط برقرار باشد.
- در هر عقد انعقاد قرارداد توسط طرفین قرارداد با ایجاب و قبول صورت می‌پذیرد. در استصناع نیز چون عقد است باید ایجاب و قبول صورت پذیرد. بنابراین سفارش‌دهنده ضمن ارائه درخواست خود به ایجاب اقدام کرده و سازنده با قبول آن موجب انعقاد قرارداد می‌شود.

- در عقود نحوه بیان اراده و ایجاب و قبول می‌تواند به صورت گفتاری، نوشتاری یا معطاتی باشد. چون در استصناع باید جنس، نوع و مقدار کالای سفارش داده شده بیان گردد نمی‌تواند به صورت معاطات باشد. بنابراین نحوه بیان اراده باید به صورت گفتاری یا نوشتاری باشد.
- استصناع عقدی معوض است. در هر عقد معوض قیمت وجود دارد، لذا باید در استصناع قیمت مشخص باشد.
- مورد معامله باید امکان ساخت داشته باشد بنابراین انعقاد قرارداد سفارش ساخت در مورد کالاهای کشاورزی ممکن نیست مگر در صنایع تبدیلی.
- از آنجاکه هدف سفارش دهنده دریافت کالا در موعد مقرر است، لذا سازنده می‌تواند خود به صورت مستقیم اقدام به ساخت نماید یا اینکه از طریق دیگران دارایی مورد نظر را بسازد؛ مگر اینکه سفارش دهنده در ضمن قرارداد شرط کند که سازنده خود به صورت مستقیم باید دارایی را بسازد.
- هدف سفارش دهنده از ورود به قرارداد، دریافت کالا است، لذا در قرارداد استصناع باید مکان و نحوه تحویل کالا معین باشد.
- ساخت کالا باید مطابق با ویژگی‌هایی باشد که سفارش دهنده اعلام می‌کند. به تبع آن روش ساخت نیز باید صحیح بوده و مورد توافق سفارش دهنده باشد.
- ساخت کالا مطابق ویژگی‌های معین اهمیت زیادی دارد و لذا سازنده باید از دقت لازم و کافی برخوردار باشد.

۴. طراحی مدل‌های مالی. با توجه به اصول موضوعه و قضایایی که در بخش سه استخراج شده‌اند، می‌توان اقدام به طراحی روابط مالی بین ارکان انتشار اوراق کرد. در این حالت باید تمامی حالات منطقی قابل تصور در طراحی برای یک ورقه طراحی شود و سپس براساس اصول متعارف، اصول موضوعه و قضایای استخراج شده مدل‌های مالی اوراق استخراج شوند. به عنوان نمونه یکی از مدل‌های انتشار اوراق سفارش ساخت در ادامه با این روش طراحی شده است.

براساس یکی از اصول موضوعه، سفارش ساخت عقدی است تعهدی. این اصل یکی از مهم‌ترین اصولی است که باید در طراحی اوراق به آن توجه داشت. البته می‌توان در قرارداد سفارش ساخت توافق کرد که کالای موضوع قرارداد به تدریج که ساخته می‌شود به ملکیت سفارش‌دهنده درآید و در این صورت سازنده نمی‌تواند آنچه را برای سفارش‌دهنده ساخته است به دیگری انتقال دهد.

در این مدل، ابتدا سفارش‌دهنده طی قرارداد سفارش ساخت از سازنده می‌خواهد که طی دوره زمانی معینی کالای مشخصی را براساس عقد سفارش ساخت، ساخته و به وی تحویل دهد. در صورتی که در این حالت سفارش‌دهنده امکان پرداخت ثمن معامله را نداشته باشد و سازنده منابع مالی کافی در اختیار داشته باشد، سازنده اقدام به ساخت دارایی نموده و در مواعد زمانی مورد توافق، ثمن معامله را دریافت می‌کند. اگر سازنده منابع مالی کافی در اختیار نداشته باشد می‌تواند از طریق انتشار اوراق استصناع منابع مالی مورد نیاز را تأمین کند. این اوراق به‌عنوان یک سند بدهی مدت‌دار توسط سفارش‌دهنده منتشر شده و در اختیار سازنده قرار می‌گیرد. سازنده می‌تواند این ورقه را نزد خود نگه دارد یا آن را در بازار ثانویه تنزیل کند (به‌عنوان یک سند خرید دین). دارنده سند بدهی در زمان سررسید، مالک وجه نقد مندرج بر روی آن می‌باشد. در این حالت ممکن است تنزیل به صورت دفعی یا تدریجی صورت پذیرد. به‌علاوه می‌توان این اوراق را با سررسیدهای مختلفی منتشر کرد. نیازی نیست سررسید اوراق دقیقاً مطابق بازمانی باشد که کالا یا طرح تحویل بانی داده می‌شود بلکه ممکن است سررسید اوراق بیشتر یا کمتر از آن نیز باشد (سروش و موسویان، ۱۳۹۵، ص. ۶۴۷).

به هر ترتیب باید در این مرحله، به کمک تمام قضایای منطقی استخراج‌شده از یک نظام قیاسی، حالات مختلف را در چارچوب مسائل فقهی و حقوقی در قالب روابط مالی طراحی کرد. در مرحله بعد، باید حوزه مالی را وسیع‌تر و از چهار بعد حسابداری، ریسک، مالیاتی و گزارشگری مالی مورد بررسی قرارداد.

با استفاده از این روش در نهایت مدل‌هایی طراحی خواهد شد که روابط بین آنها مبتنی بر یقین ناشی از ساختار یک نظام قیاسی است که عملاً صحت مدل‌های استفاده‌شده را در پی خواهد داشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اندیشمندان مسلمان جهت رفع خلاء حاصل از نبود ابزارهای مالی منطبق با شریعت، ابزارهای مالی جایگزینی را پیشنهاد داده‌اند که از آنها با عنوان ابزارهای مالی اسلامی یاد می‌شود. در ایران نیز با ایجاد بسترهای قانونی مناسب، امکان طراحی و انتشار چنین ابزارهای فراهم شده است. در صورت طراحی صحیح این ابزار مالی می‌توان بخش عمده-ای از پروژه‌های بخش واقعی اقتصاد را از طریق بازار سرمایه تأمین مالی کرد.

جهت طراحی صحیح یک ابزار مالی منطبق با شریعت، باید از روش تحقیق مناسبی استفاده کرد. روش تحلیل منطقی مبتنی بر قیاس می‌تواند به‌عنوان یک روش تحقیق مناسب مورد استفاده قرار گیرد. در این روش ابتدا گزاره‌ها و احکام مبنایی هر علم شناسایی می‌شوند و سپس سایر احکام و قضایا از آنها استنباط می‌گردند. این نظام بر مجموعه‌ای از اصطلاحات با عنوان تعیین حدود اولیه و تعریف اصطلاحات دیگر براساس آنها و سپس گزینش مجموعه‌ای از گزاره‌ها با عنوان اصول موضوعه و استنتاج گزاره‌های دیگر از آنها، مبتنی است. بر این اساس تعاریف اصلی مشخص شده و اصول اصلی حاکم بر طراحی مدل مالی استخراج می‌شوند. این اصول شامل اصول متعارف و اصول موضوعه هستند که شاکله اصلی را جهت استنتاج قضایا ایجاد می‌کنند. قضایا در بخش‌هایی شامل طرفین عقد، ایجاب و قبول طرفین، مورد معامله، شرایط قرارداد، تعهدات طرفین و... ارائه می‌شوند. این قضایا در کنار اصول موضوعه مطرح شده جهت طراحی مدل مالی اوراق به‌کار گرفته شدند. در طراحی مالی اوراق لازم است تمامی حالات منطقی قابل تصور در طراحی یک ابزار مالی استخراج شده و براساس اصول (موضوعه و متعارف) و قضایای تعیین شده مدل‌های مالی نهایی ابزار مالی ارائه شود. در صورت طراحی یک نظام قیاسی صحیح و آگزیوماتیک، مدل طراحی شده عاری از خطا خواهد بود.

یادداشت‌ها

۱. پیشنهاد می‌شود هم‌زمان با این مقاله، مقاله با عنوان «طراحی مدل‌های مالی اوراق سفارش ساخت در بازار سرمایه ایران»، اثر ابوذر سروش و سیدعباس موسویان، منتشر شده در فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مالی، شماره ۱۸ مطالعه شود.

۲. هم‌اکنون بخش عمده‌ای از تحقیقات مربوط به طراحی ابزارهای مالی در ایران، مبتنی بر روش استقرا هستند.

3. Primitive Terms

4. Definable Terms

5. Theorem

۶. Axiomatic Method: واژه اگزیوم در زبان یونانی به معنای ارج‌گذاردن است. این اصطلاح را ارسطو وارد زبان فلسفه کرد و آن را در مفهوم عامیانه به معنای «برآورد کردن»، «فرض کردن» و «صحیح دانستن» به کار گرفت. وی در کتاب «جدل»، این واژه را برای نام‌گذاری قضیه‌ای به کار می‌برد که بحث با آن آغاز می‌شود. از این رو، اگزیوم در این موضع، به معنای «فرض» یا «خواست» است، اما در کتاب تحلیلات دوم، اگزیوم بیان‌گر مبنایی در علوم برهانی است که صادق، بی‌واسطه و بدیهی‌تر باشد. اگزیوم، سابق‌بر موضوعی است که از طریق آن به اثبات می‌رسد، و مبنای آن است (ریتر، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۸).

7. Euclid

8. Geometrical Method

9. Axiomatic Testing Method

10. Logical Analysis Method

11. Francois Quesnay

12. Adam Smit

13. Ahmad

14. Siddiqui

15. Chopra

16. Ghazali

17. Sirageldin

18. Asutay

کتابنامه

آفانظری، حسن (۱۳۸۶). *نظریه پردازی اقتصاد اسلامی (امکان نظریه پردازی علمی اقتصاد اسلامی و روش آن)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی در دانشگاه‌ها.

بیدگلی، سکینه؛ و پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۸). طراحی مدل منطقی ابعاد تعامل خرده سیستم‌های سیاسی و اداری در حکومت حق‌مدار بر مبنای نهج‌البلاغه امام علی (ع). *فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۸(۱۹)، ۸۷-۱۱۴.

پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۳). درآمدی بر طراحی نظام‌های آگزئیوماتیزه سلسله مراتبی برای توسعه کیفی دانش در حوزه علوم انسانی. همایش توسعه دانش و فناوری. تهران: دانشگاه صنعتی شریف، ۱-۳۰.

تفضلی، فریدون (۱۳۸۸). تاریخ عقاید اقتصادی. تهران: نی.

خندان، سیدعلی اصغر (۱۳۷۹). منطق کاربردی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی در دانشگاه‌ها و مؤسسه فرهنگی طه.

ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۶۹). پیوند و تمایز فلسفه و علوم تجربی از دیدگاه فیلسوف شهید مطهری. فصلنامه نور علم، ۸(۳۵)، ۵۰-۷۰.

ریتز، یواخیم؛ و گروندر، کارولفرید؛ و گابریل، گتفرید (۱۳۸۶). فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه (جلد ۱) (مترجم: فریده فرنودفر). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (ترجمه اصلی اثر، ۱۹۷۴).

ساروخانی، باقر (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سروش، عبدالکریم (۱۳۵۷). علم چیست؟ فلسفه چیست؟. تهران: حکمت.

سروش، ابوذر؛ و موسویان، سیدعباس (۱۳۹۵). طراحی مدل‌های مالی اوراق سفارش ساخت در بازار سرمایه ایران. فصلنامه تحقیقات مالی، ۱۸(۷۲)، ۶۳۳-۶۵۲.

شنیور، قادر؛ و اخترنیا، جعفر (۱۳۹۳). قرارداد سفارش ساخت. تهران: انتشارات کتاب آوا. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۸). اصول فلسفه و روش رئالیسم؛ با پاورقی شهید مرتضی مطهری (جلد ۲ و ۳، چاپ ۶). تهران: صدرا.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۲). اصول فلسفه و روش رئالیسم؛ با پاورقی شهید مرتضی مطهری (جلد ۱، چاپ ۳). تهران: صدرا.

عیوضلو، حسین (۱۳۸۷). اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۸(۲۹)، ۳۵-۶۱.

قحف، منذر (۱۳۸۵). علم اقتصاد اسلامی، تعریف و روش (سیدحسین میرمعزی: مترجم). فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۶(۲۳)، ۱۵۷-۱۸۶.

کشفی، عبدالرسول (۱۳۸۱). کاربرد روش هندسی در فلسفه اسلامی. فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، ۳۶(۷۱)، ۲۲۱-۲۴۶.

مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶). آموزش فلسفه (جلد ۱). تهران: امیرکبیر.

- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *نظری به نظام اقتصادی اسلام* (چاپ ۱۴). تهران: صدرا.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۹۱). *بازار سرمایه اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- موسویان، سیدعباس؛ و خوانساری، رسول (۱۳۹۵). *اجتهاد چندمرحله‌ای: روش پژوهش استنباط مسائل فقه اقتصادی*. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۶(۶۳)، ۵-۳۷.
- میرجانی، حمید (۱۳۸۹). *استدلال منطقی به مثابه روش پژوهش*. *فصلنامه صفا*، ۲۰(۵۰)، ۳۵-۵۰.
- میرزایی‌اهرنجانی، حسن (۱۳۸۵). *زمینه‌های شناختی تئوری سازمان*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی در دانشگاه‌ها.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۶). *روش فلسفه علم اقتصاد اسلامی*. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۷(۲۷)، ۴۵-۶۴.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۰). *درآمدی بر روش علم اقتصاد اسلامی*. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۴۲)، ۵-۲۸.
- نبوی، لطف‌اله (۱۳۶۹). *روش‌شناسی علوم قیاسی*. *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، ۱(۲)، ۱۸۵-۱۷۳.
- نبوی، لطف‌اله (۱۳۸۹). *مبانی منطق و روش‌شناسی* (چاپ ۲). تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.

- Asutay, M. (2007). A Political Economy Approach to Islamic Economics: Systemic Understanding for an Alternative Economic System.
- Javaid, O., & ul Hassan, M. (2013). A Comparison of Islamic and Capitalist Conception of Economic Justice. *International Journal of Economics, Management and Accounting*, 21(1), 1.
- Kahf, M. (1999). Instruments and Alternatives of Public Debts in Islamic Economy. *Research Paper at IRTI H*, 1412.
- Mangal, S. K., & Mangal, S. (2013). *Research Methodology in Behavioural Sciences*. PHI Learning Pvt. Ltd..